

مصحف حضرت علی (ع) در منابع علم ائمه

الهام محمدزاده*

سیدمحمد مرتضوی**، سیدمرتضی حسینی شاهرودی***

چکیده

مصحف امام علی (ع)، که نسخه دست‌نوشته آن حضرت از قرآن کریم به املای پیامبر اکرم (ص) است، جزء میراث و منابع گران‌بهای علوم امامان شیعه است. بر طبق روایات هر دو مذهب شیعه و اهل سنت وجود این مصحف تأیید شده و انکارناپذیر است. دیدگاه مشهور عالمان شیعه این است که محتوای مصحف علی (ع) در ترتیب سوره‌ها و احتمالاً در تعداد اندکی از آیات و وجود تفسیر و تأویل آن‌ها با مصحف موجود تفاوت دارد. اما برخی از معاصران معتقدند که میان این مصحف با قرآن موجود در چینش آیات و سوره تفاوتی نیست، بلکه صرفاً در مصحف علی (ع) تفسیر، تأویل، و شأن نزول آیات ذکر شده است. در این نوشتار ضمن معرفی محتوای این مصحف دیدگاه‌های مختلف شیعه و سنی بررسی و به شبهات و هابیت در رد وجود مصحف پاسخ داده می‌شود. هم‌چنین به نقد و بررسی دیدگاه‌های متفاوت دانشمندان شیعه درباره نحوه چینش آیات و سوره مصحف امام (ع) پرداخته می‌شود و ضمن نقد برخی از نظریات، که تفاوت دو مصحف را فقط به چینش سوره‌ها فرو کاهیده‌اند، دیدگاه معاصران مقبول‌تر ارزیابی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مصحف امام علی (ع)، منابع علم امام، ترتیب نزول، تفسیر، تأویل، شأن نزول.

* دانشجوی دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد، em_um2008@yahoo.com

** دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، Mortazavi-m@ferdowsi.um.ac.ir

*** استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، shahrudi@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲

۱. مقدمه

مصحف امام علی (ع) یکی از منابع علوم ائمه است و مراد از آن قرآنی است که ایشان بعد از وفات رسول خدا (ص) جمع‌آوری کرد. از آن‌جا که پیامبر اکرم (ص) در تعلیمات خود اهمیت زیادی برای کلام الهی قائل بود، علی (ع) را مأمور کتابت وحی و حفظ کلمات قرآن کریم کرد. بنابراین شکی نیست که امام علی جزء اولین کاتبان وحی است که کلمات آسمانی را نگاشت (ابن سعد، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۳۸؛ ابن ندیم، بی‌تا: ۳۰). حر عاملی همانند سایر علمای امامیه قائل است که به‌صورت متواتر در نصوص تاریخی و حدیثی وارد شده که پیامبر (ص) امام علی را به نگارش همه تنزیل و تأویل آن و نگارش همه سنت و احکام شرعی امر نمود (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۴۳). یکی از مؤیدات این مطلب سخن علی (ع) است که می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا (ص) نازل نشد جز این‌که برای من خواند و املا فرمود و من به خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت و از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من عطا فرماید و از زمانی که آن دعا را درباره من کرد هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ علمی را که املا فرمود و من نوشتم فراموش نکردم» (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۸۴؛ کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۸۳) و یا در کلام دیگری فرمود: «سوگند به خدا آیه‌ای نیست، مگر این‌که من می‌دانم که کجا نازل شده در شب یا روز در بیابان یا کوه نازل شده است» (حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۸؛ آمدی، ۱۳۶۶: ج ۲، ۵۶۳).

این دو حدیث به‌خوبی نشان‌دهنده این است که علی (ع) با روح و جانش تمامی آیات قرآن را دریافت و حفظ کرد. مصحف ایشان به‌دلیل داشتن ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد در مقایسه با قرآن فعلی منبع ارزشمندی برای علوم اهل بیت محسوب می‌شود که به ویژگی‌های آن خواهیم پرداخت.

۲. مصحف در لغت و اصطلاح

مصحف در لغت به معنای «الجامع للمصحف المکتوبه بین الدفتین» است، یعنی کتابی که صحیفه‌های نوشته‌شده را در دو جلد جمع کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ۱۸۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۱۲۰). لفظ مصحف جمع صحیفه است و در این تعریف شامل صفحاتی می‌شود که بر آن‌ها نگاشته شده است و لفظ دفتان به معنای دو طرف یک چیز را گویند (همان؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۷۵). این لفظ در میان شاعران عرب قبل از

اسلام و نیز در تاریخ ادب اسلامی در آیات قرآن و در سیره صحابه استعمال شده است (احمد، ۱۴۱۳: ۲۸۱). صحف یا صحیفه در اصطلاح اهل حدیث عبارت است از مجموعه احادیثی که از رسول خدا روایت شده و بر اوراقتی نگاشته شده است. یعنی لغت صحیفه در اصل بر یک ورق مکتوب وضع شده، اما به دلیل کثرت استعمال بر چند ورقه (صفحه) به کار می‌رود (ابوزید، ۱۴۱۲: ۲۴ و ۲۵) و در اصطلاح علوم قرآنی به معنای قرآنی است که صحابه آن را به منظور قرائت خود نوشته یا فراهم آورده بودند (سجستانی، ۱۹۳۶: ۱۵)؛ بنابراین لفظ مصحف صرفاً درباره قرآن به کار رفته است، بلکه قرآن یکی از مصادیق معنای لغوی مصحف است که در این مصداق فراوان استعمال شده است. در آیات قرآن اسلامی فراوانی برای قرآن ذکر شده است که مصحف جزء آن‌ها نیست. اما در چند روایت از پیامبر لفظ مصحف برای قرآن مکتوب استعمال شده است. از جمله این‌که پیامبر اکرم فرمود: «من قرأ القرآن فی المصحف کانت له الف حسنه» (زرکشی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۵۴۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۵۱۶). هم‌چنین فرمود: «النظر الی المصحف عباده» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۰۴). برخی دانشمندان معاصر براساس این روایات معتقدند که قرآن در زمان حضرت رسول (ص)، نه در زمان ابوبکر، جمع‌آوری شده است (عاملی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۸۲). اما در برخی کتب اهل سنت آمده که لفظ مصحف در زمان رسول خدا (ص) بر قرآن مکتوب اطلاق نشده، بلکه اولین بار در زمان ابوبکر برای قرآن به کار رفته است. نقل شده است که وقتی ابوبکر قرآن را جمع‌آوری کرد بعضی آن را/انجیل خواندند و برخی آن را سفر از کتاب یهود خواندند که مقبول واقع نشد و ابن مسعود آن را مصحف نامید (سیوطی، بی‌تا: ج ۱، ۵۳). برخی دیگر گویند سالم مولی ابن حذیفه گفت من در حبشه دیدم که بر کتب مقدس مصحف گویند پس بر این لفظ اجماع نمودند (کتانی، بی‌تا: ج ۲، ۲۸۱) اما اولاً این دیدگاه بر خلاف روایاتی است که پیامبر (ص) لفظ مصحف را به صراحت برای قرآن کریم ذکر کرده است. ثانیاً لغت مصحف عربی اصیل است و ادبای ادب جاهلی از این لفظ استفاده کرده‌اند، اما زبان مردم حبشه عربی نبوده، بنابراین این لفظ از حبشه وارد زبان عربی نشده است.

۳. مصحف امام علی در منابع فریقین

در کتب حدیثی فریقین وارد شده که امام علی (ع) بعد از وفات پیامبر (ص) در خانه نشست و سوگند یاد کرد ردا بر دوش نگیرد تا آن‌که قرآن را در مصحفی گرد آورد. علمای شیعه و برخی از اهل سنت وجود این مصحف را پذیرفته‌اند. روایات شیعی، که به صورت

تلویحی نشان‌دهنده بیعت نکردن امام علی (ع) و اعتراض ایشان به ابوبکر است، با بحث تدوین قرآن در زمان پیامبر منافات ندارد، چراکه علی (ع) قرآن را در زمان حیات رسول خدا (ص) نگارش کرد و بعد از وفات ایشان آن را ترتیب یافته جمع‌آوری کرد و در میان مصحفی قرار داد. منابع روایی ذیل در شمار کتبی اند که این واقعه را گزارش کرده‌اند:

۱.۳ منابع شیعه

الف) نخستین منبع شیعی در این زمینه کتاب سلیم بن قیس است که طی سه روایت گزارشی از مصحف امام علی ارائه می‌دهد:

وقتی حضرت عهدشکنی و بی‌وفایی آنان را دید خانه‌نشینی اختیار کرد و به قرآن رو آورد و مشغول تنظیم و جمع آن شد و از خانه‌اش خارج نشد تا آن که آن را جمع‌آوری کرد در حالی که قبلاً در اوراق، تکه‌چوب‌ها، پوست‌ها، و کاغذها نوشته شده بود. وقتی حضرت همه قرآن را جمع می‌کرد و آن را با دست مبارک خویش طبق تنزیل و تأویل و ناسخ و منسوخ می‌نوشت، ابوبکر به سراغ او فرستاد که بیرون بیا و بیعت کن. علی (ع) جواب فرستاد که من مشغولم و با خود قسم یاد کرده‌ام که عبا بر دوش نیندازم جز برای نماز، تا آن که قرآن را تنظیم و جمع کنم. آنان هم چند روز درباره او سکوت کردند. امیرالمؤمنین قرآن را در یک پارچه جمع‌آوری نمود و آن را مهر کرد. سپس بیرون آمد در حالی که مردم با ابوبکر در مسجد پیامبر (ص) اجتماع کرده بودند. حضرت با بلندترین صدایش فرمود: ای مردم، من از روزی که پیامبر (ص) از دنیا رفته به غسل آن حضرت و سپس به قرآن مشغول بوده‌ام تا آن که همه آن را به صورت یک مجموعه در این پارچه جمع‌آوری کردم. خداوند بر پیامبر (ص) آیه‌ای نازل نکرده مگر آن که آن را جمع‌آوری کرده‌ام و آیه‌ای از آن نیست مگر آن که برای پیامبر (ص) خوانده‌ام و تأویلش را به من آموخته است (سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵: ۵۸۱).

در صحت اعتبار کتاب سلیم بن قیس اشکالاتی طرح شده (خوئی، ۱۴۱۰: ج ۸، ۲۱۹-۲۲۷؛ عسکری، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۹۹ و ۴۰۰)، اما روایات این موضوع در کتب معتبر دیگر با اختلاف اندکی در متن روایت ذکر شده است؛

ب) کلینی نیز چندین روایت در این زمینه آورده است. مانند این که امام صادق (ع) فرمود:

چون حضرت قائم (ع) آید کتاب خدای عزوجل را بر حد خودش خواهد خواند و آن مصحفی که علی (ع) نوشته است را بیرون آورد و می‌فرماید: علی (ع) پس از فراغت از آن برای مردم آورد و به آن‌ها فرمود: این است کتاب خدا آن‌چنان که خدا بر محمد (ص) نازل کرده است و من آن را میان دو لوح قرار دادم (کلینی، بی تا: ج ۴، ۴۴۴)؛

ج) عیاشی و بحرانی در تفاسیر خود روایتی را ذکر کرده‌اند که به لحاظ محتوا مشابه روایات سلیم بن قیس بوده است و علی (ع) سوگند یاد می‌کند که تا مصحف را جمع‌آوری نکند از خانه خارج نشود، با این تفاوت که در ادامه حدیث نقل شده که ابوبکر سه بار برای بیعت گرفتن از علی (ع) به دنبال ایشان فرستاد و بار سوم عمر خطاب تهدید کرد که خانه فاطمه (س) را آتش می‌زند و قنفذ فاطمه (س) را مورد ضرب و شتم قرار داد و آن‌ها علی (ع) را با اکراه برای بیعت بردند (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۰۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۴۳۴)؛

د) ابن شهر آشوب از طریق امامیه گزارش این مصحف را ذکر کرده است: وی از قول ابو رافع می‌گوید: «فلما قبض النبی (ع) جلس علی فالفه کما أنزلہ الله و کان به عالما: بعد از وفات پیامبر (ص) علی (ع) در خانه نشست و قرآن را آن‌طور که نازل شده بود تألیف کرد و به آن عالم بود» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ج ۲، ۵۰ و ۵۱). وی از طریق اهل سنت نیز روایات فراوانی را نقل کرده است؛ از جمله از قول شیرازی (محمد بن عبید الله ابوبکر بن مؤمن) و ابو یوسف یعقوب از ابن عباس نقل می‌کند که: «جمع الله القرآن فی قلب علی و جمعه علی بعد موت رسول الله بستة أشهر: خداوند قرآن را در دل علی (ع) قرار داد و وی بعد از وفات رسول خدا در مدت شش ماه آن را تدوین کرد» (همان: ج ۲، ۵۰) و باز از قول خطیب بغدادی در کتاب/ربیعین با سند خود از امام علی (ع) چنین آورده است: «هنگامی که رسول خدا از دنیا رفتند سوگند خوردم ردا بر دوش نگیرم تا قرآن را بین دو لوح گرد آورم» (همان: ج ۲، ۵۱)؛

ه) قمی نیز مشابه روایات قبل را از قول امام باقر و امام صادق (ع) نقل می‌کند که پیامبر به علی (ع) دستور گردآوری قرآن را داد و ایشان آن را در پارچه‌ای زردرنگ قرار داد (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۴۵۱)؛

و) طبرسی نیز روایاتی را با مضامین قبل بیان کرده که تفاوتشان در این است که علت پذیرفتن مصحف از طرف صحابه بیان فضایح و زشت‌کاری‌های ایشان دانسته شده است (احتجاج، ۱۳۸۱: ۱۵۵ و ۱۹۰).

علاوه بر روایات قبل، که نحوه گردآوری قرآن به دست علی (ع) در مصحف را گزارش می‌دهند، احادیثی نقل شده است که ائمه (ع) در تفسیر برخی آیات و صدور حکم فقهی به مصحف علی (ع) استناد کرده‌اند. از جمله این‌که امام صادق (ع) نحوه وضو گرفتن و تفسیر آیه «یا ویلتی لیتنی لم أتخذ فلانا خلیلا» (الفرقان: ۲۸) را به مصحف علی (ع) ارجاع داد (نباطی، ۱۳۸۴: ج ۳، ۲۶۹؛ بحرانی، ۱۴۲۲: ج ۴، ۳۶۰).

گرچه روایات ذکرشده در این باب برخی صحیح و برخی مرسل اند، اما کثرت این روایات مانع از نادیده گرفتن محتوای آن‌ها درباره وجود مصحف امام علی می‌شود.

۲.۳ منابع اهل تسنن

جمعی از علمای اهل سنت، که درباره جمع قرآن به دست علی (ع) سخن گفته‌اند، عبارت‌اند از:

الف) ابن سعد از محمد بن سیرین نقل می‌کند که برای ما چنین نقل شده است که علی گفت: «آلیت بیمین أن لا أرتدی بردائی إلّا إلى الصلاة حتی أجمع القرآن: سوگند یاد کردم تا قرآن را گرد نیاورم ردای خود بر دوش نگیرم» (ابن سعد، ۱۴۰۵: ج ۲، ۲۳۸)؛

ب) ابن منادی نیز همین گزارش را به نقل از عبد خیر آورده است (ابن ندیم، بی‌تا: ۳۱)؛

ج) ابونعیم اصفهانی از عبد خیر همین مضمون را گفته است (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۶۷)؛

د) ابن عبد البر نیز آن را با دو طریق از محمد بن سیرین و عکرمه نقل می‌کند (ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ۹۷۶)؛

ه) حسکانی با سند خود با چند طریق از محمد بن سیرین، عبد خیر، و عکرمه خبر مصحف را آورده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۳۶)؛

و) ابن ندیم می‌گوید: علی جزء اولین کسانی است که قرآن را تدوین کرد. او پس از وفات پیامبر از مردم بی‌وفایی دید، پس سوگند یاد کرد که عبا بر دوش نگیرد تا قرآن را گرد آورد، پس سه روز در خانه نشست تا آن را فراهم آورد و این نخستین مصحف است که آن را از سینه خود نوشت (ابن ندیم، بی‌تا، ۳۰)؛

ز) عبدالکریم شهرستانی، در میان علمای اهل سنت، با تفصیل بیش‌تری این مطلب را گزارش کرده است:

چون علی بن ابی‌طالب از تجهیز رسول خدا فارغ شد و حضرت را دفن کرد ردای بر دوش نینداخت تا قرآن را جمع کند، چون بر این کار مأمور بود. پس قرآن را آن‌گونه که نازل شده بود بدون تحریف و تبدیل و زیاده و نقصان تدوین کرد و پیامبر خدا جایگاه آیات و تقدیم و تأخیر آن‌ها را به ایشان آموخته بود. چون از جمع آن فارغ شد آن را برداشته و با غلامش قنبر به سوی مسجد آمد و گفته‌شده حجم آن به اندازه بار شتر بود. آن‌گاه روی به ایشان کرد و گفت این کتاب پروردگار شماست همان‌گونه که بر محمد (ص) نازل شده، حرفی از آن کاسته نشد و چیزی افزون نگشت، من آن را بین دو لوح قرار دادم. حاضران مصحف را

نپذیرفتند و گفتند ما را به چنین کتابی نیاز نیست. علی گفت: سوگند به خدا از امروز به بعد هرگز آن را نخواهید دید. فقط بر من لازم بود که شما را از جمع کردن مصحف آگاه کنم. سپس به خانه برگشت و آن‌ها را به حال خود گذاشت همان‌طور که هارون قوم موسی را بعد از القای حجت به ایشان به خودشان واگذاشت در حالی که این آیه را تلاوت می‌کرد «يَا رَبِّ اِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (شهرستانی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۲۱)؛

(ح) موفق خطیب خوارزم با سند خود از عبد خیر گزارش این مصحف را آورده است (خوارزمی، ۱۴۱۱: ۹۴)؛

(ط) ابن جزری کلبی می‌نویسد: بعد از وفات رسول خدا (ص) علی در خانه نشست و قرآن را به ترتیب نزول جمع‌آوری کرد. اگر مصحف او یافت می‌شد در آن دانش بسیاری بود، اما یافت نشد (ابن جزری الکلبی، ۱۹۹۳: ج ۱، ۴).

بنابراین براساس روایات گذشته می‌توان دو نکته را برداشت کرد: اول این که خبر این مصحف از طریق شیعه و سنی وارد شده است که علمای امامیه در پذیرش آن اجماع دارند و اکثر اهل سنت، به جز برخی متأثران از تفکرات سلفی (ناصر علی قفاری، احسان الهی ظهیر، و ...)، آن را پذیرفته‌اند. دوم این که در غالب اخبار مصحف علی (ع) در منابع اهل سنت اعتراض علی (ع) به بیعت با ابوبکر دیده نمی‌شود و گویا تأخیر علی (ع) در بیعت با ابوبکر را به جمع‌آوری قرآن به دست علی (ع) توجیه کرده‌اند و این تأخیر را نشانه مخالفت با ابوبکر نمی‌دانند، گرچه نشانه‌هایی از این اعتراض در خبر شهرستانی دیده می‌شود.

۴. ویژگی‌های مصحف امام علی (ع)

اکثر کسانی که مصحف امام علی (ع) را توصیف کرده‌اند، موارد ذیل را به‌منزله ویژگی خاص آن بیان کرده‌اند:

الف) ترتیب بر حسب نزول: در این مصحف بنا بر نظر اهل سنت آیات و سور قرآن براساس نزول جمع شده است (ابن سعد، ۱۴۰۵: ج ۲، ۲۵۸؛ سیوطی، بی‌تا: ج ۱، ۲۱۶؛ ذهبی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۸؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲۵۳). چنان‌که نقل شده است قرآن در زمان رسول خدا (ص) در میان صحیفه‌ها و در سینه حافظان قرآن پراکنده بود و هنگامی که پیامبر (ص) وفات یافت، علی بن ابی‌طالب در خانه‌اش نشست و آن را به ترتیب نزول جمع‌آوری کرد (ابن جزری الکلبی، ۱۹۹۳: ج ۱، ۴).

اما از نظر غالب علمای شیعه مصحف علی (ع) فقط در ترتیب سوره‌ها با مصحف رایج اختلاف دارد و این که در ترتیب آیات دو مصحف تغییری رخ داده احتمالی ضعیف است

(خویی، ۱۴۰۸: ۲۲۳؛ امین عاملی، ۱۴۰۶: ۸۹؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۴۳ و ۱۵۹؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۲: ۴۱۱؛ معرفت، ۱۴۱۱: ج ۱، ۲۹۲؛ زنجانی، ۱۴۰۴: ۵۴؛ سبحانی، ۱۴۲۲: ۲۱۶). در مصحف علی ترتیب سوره‌ها براساس نزول بوده، اما در مصحف رایج سوره‌ها تقریباً از بلند به کوتاه مرتب شده است، اما در ترتیب آیات تفاوتی در دو مصحف وجود ندارد؛ زیرا براساس شواهد مختلف مکان آیات در سوره‌ها به ترتیب طبیعی نزول و به اشاره پیامبر (ص) تنظیم شده و منشأ و حیانی آن محفوظ است. البته درباره تعداد اندکی از آیات احتمالاً این ترتیب طبیعی نقض شده است، اما باید اصل را بر این نهاد که ترتیب آیات در سوره‌ها موافق نزول است، مگر آن‌که با دلیلی خلاف آن ثابت شود و اگر هم در موارد نادری بر خلاف این ترتیب طبیعی ثابت شود، جز به دستور خاص پیامبر (ص) نبوده است (معرفت، ۱۴۱۱: ج ۱، ۲۸۰).

بنابراین ترتیب مصحف علی (ع) در چینش آیات توقیفی است و پیامبر (ص) آن را تأیید می‌کند، اما ترتیب سور در مصحف کنونی از نظر صحابه تأیید نشده است. البته این مسئله لزوماً به این معنا نیست که صحابه با نظر پیامبر (ص) بنای مخالفت داشته‌اند، بلکه این احتمال را تقویت می‌کند که پیامبر به لحاظ استمرار نزول وحی امکان آن را نیافته بود که به تألیف مصحف اقبال کند، بنابراین این وظیفه را برعهده حضرت علی (ع) نهاد (نکونام، ۱۳۸۶: ۱۰۱). البته اختلاف مصحف علی (ع) با مصحف موجود در ترتیب پاره‌ای سور و آیات سبب تغییر در معنای و حیانی آن نشده و اوصاف بنیادی قرآن نظیر اعجاز، حقانیت، هدایت، و ذکریت را از بین نبرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۱۰۶ و ۱۰۸)؛

ب) مقدم‌شدن آیات منسوخ بر ناسخ و مکی بر مدنی: در این مصحف براساس برخی شواهد آیات منسوخ بر ناسخ و مکی بر مدنی مقدم شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۸۹، ۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۸۱؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۶۰ و ۱۶۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۳۸؛ بلاذری، ۱۳۹۴: ج ۱، ۵۸۷؛ ابن سعد، ۱۴۰۵: ج ۱، ۵۸۷). شیخ مفید می‌گوید: امیر مؤمنان (ع) قرآن نازل شده را از اول تا آخرش گرد آورد و آن را برحسب ترتیبی که لازم بود فراهم کرد، مکی را بر مدنی و ناسخ را بر منسوخ مقدم داشت و هر چیزی از آن را در جای حقیقی‌اش نهاد (مفید، ۱۴۱۳: ج ۷۹)؛

ج) اشتغال بر تأویل قرآن: علی (ع) به طلحه فرمود: «هر آیه که خداوند بر محمد (ص) نازل کرد و تأویل هر آیه‌ای که بر محمد (ص) نازل شد به املائی پیامبر و خط خودم در نزد من هست» (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵: ۶۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ۶۵)؛

د) اشمال بر تنزیل و تفسیر معانی آیات: مراد از تنزیل متن قرآن بدون هیچ کم و کاستی و زیادت و نقصان شأن نزول آیات مثل ذکر اسمای منافقین و تفاسیری است که خداوند بر رسولش نازل کرده است، از آن جهت که فهم کامل آیات قرآن به جز از طریق وحی قابل فهم نیست، بنابراین مصحف علی (ع) شامل وحی قرآنی و بیانی است (عسکری، ۱۴۱۳: ج ۲، ۴۰۳-۴۰۸؛ ج ۳، ۱۸؛ عسکری، ۱۳۸۲: ج ۲، ۵۶۵). چنانکه خداوند متعال فرمود: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَ هُوَ قِرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ: در حقیقت گردآوردن و خواندن آن بر [عهد] ماست. سپس توضیح آن [نیز] بر عهدۀ ماست» (قیامت: ۱۷ و ۱۹)؛

ه) اشمال بر محکم و متشابه: به این معنا که آیات محکم از متشابه مشخص شده است. علی (ع) فرمود: «و پس از وفات پیامبر قرآن را به صورت کامل و مشتمل بر تأویل و تنزیل و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ بدون هیچ افتادگی حرف الف و لامی حاضر نمودند و هنگامی که بر آن چه خداوند از اسامی اهل حق و باطل آشکار نموده بود واقف شدند و دریافتند اگر آن آشکار شود نقشه‌هایشان بر باد خواهد رفت گفتند: آن چه نزد ماست کافی بوده و نیازی به آن نداریم» (طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۵۷۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ج ۸۹، ۴۱)؛

و) هیچ حرفی حتی الف و لام از آن حذف نشده است؛ چنانکه در روایات قبل از قول شیعه و سنی ذکر شد. «هذا کتاب ربکم كما أنزل علی نبیکم، لم یزد فیہ حرف، و لم ینقص منه حرف» (ابن بابویه و شیخ مفید، ۱۴۱۴: ج ۱، ۸۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۴۷؛ شهرستانی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۲۱)؛

ز) مشتمل بر اسمای حق و باطل است، چنانکه در روایات قبل بیان شد. این مطلب نشان می‌دهد که مصحف علی (ع) همان مصحفی است که امام رضا (ع) آن را به احمد بن محمد بن ابی نصر نشان داد و او در ذیل آیه «لَمْ یَکُنْ الذِّینَ کَفَرُوا» (بینة: ۱) اسمای هفتاد تن از قریش و اسامی پدران را یافت (کلینی، بی تا: ج ۴، ۴۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ب: ج ۱۲، ۵۲۱؛ زرقانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۷۳)؛

ح) این مصحف به املائی پیامبر و خط علی (ع) است. چنانکه ایشان بارها به این نکته تصریح کرده است. علی (ع) فرمود: «لو ثنیت لی الوسادة و عرف لی حقی لأخرجت لهم مصحف أکتبته و املاؤه علی رسول الله: اگر مسندی برای من گذاشته و حقم شناخته شود مصحفی را که به املائی پیامبر (ص) نوشته‌ام عرضه خواهم کرد» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۲۰)؛ بنابراین جمع مصحف به دست علی (ع) به معنای گردآوری، تألیف، و ضمیمه کردن تفسیر و تأویل آیات به صفحات قرآن است که به املائی پیامبر (ص) بر روی

پوست‌ها، پارچه‌ها، و چوب‌هایی نگاشته شده بود و روایاتی که از جمع مصحف در سه یا هفت روز حکایت دارد شاهی بر این مدعاست (مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ج ۲۳، ۲۴۹؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۷۳).

بنابراین تفاوت مصحف علی (ع) با مصحف موجود در نص آیات قرآن کریم نیست، بلکه آن مصحف به استناد احادیث شیعه و سنی مشتمل بر تفسیر، تأویل، و شأن نزول آیات بوده که به نقل شهرستانی در حاشیه آن نگاشته شده بود.

۵. بررسی ترتیب نزول در مصحف امام علی (ع)

الف) در قسمت قبل ذکر شد که دیدگاه مشهور علمای شیعه و سنی این است که چینش مصحف امام علی (ع) براساس نزول بوده و تفاوت مصحف ایشان با مصحف رایج در ترتیب سوره‌های قرآن و احتمالاً برخی از آیات است. اما برخی معاصران دیدگاه جدیدی مطرح کرده و روایات مربوط به ترتیب مصحف امام علی (ع) را از لحاظ سندی ضعیف دانسته یا تأویل کرده‌اند (مهدوی‌راد، ۱۳۸۸: ۳۴۴-۴۰۰؛ ایازی، ۱۳۸۰: ۸۱-۹۵؛ مدرسی، ۱۳۸۳: ۲۰؛ فرشچیان، ۱۳۸۵: ۸-۱۳؛ ناصحیان، ۱۳۸۰: ۸۰-۸۸). ایشان معتقدند که تفاوت مصحف امام علی با مصحف موجود در این است که در مصحف امام (ع) تفسیر و شأن نزول آیات ذکر شده، اما در مصحف عثمانی نیامده است (مهدوی‌راد، ۱۳۸۸: ۴۴۰؛ ایازی، ۱۳۸۰: ۱۱۴). دلیل این مدعا این است که اولین خبری که در منابع اهل سنت نقل شده خبر ابن‌سعد از محمد بن سیرین است که گفت: «... فزعموا الله کتبه علی تنزیله» (ابن‌سعد، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۳۸). این روایت اساس مطلب در منابع اهل سنت است که صراحتاً بر ترتیب مصحف علی (ع) براساس نزول دلالت ندارد و به گفته ابن‌سیرین قوم گمان کردند که علی (ع) مصحف را براساس نزول نوشته است، در حالی که هیچ‌کدام از راویان آن مصحف را مشاهده نکرده‌اند تا براساس مشاهداتشان گزارش دهند. به گفته برخی اندیشمندان معاصر هیچ‌کس آن‌چه را که علی (ع) در مصحف خود نوشته ندیده است، پس نظرهای دیگران صرفاً بدون دلیل است و آن‌چه درباره این مصحف از طریق غیرمعصوم نقل شده است اساسی ندارد (عسکری، ۱۴۱۳: ج ۲، ۴۰۳). در روایات شیعه نیز قدیمی‌ترین نقل از ابن‌شهر آشوب است که از قول ابو رافع گفت: «الله کما أنزل الله وکان به عالماً» (ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۲: ج ۲، ۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ج ۸۹، ۵۲). امام صادق (ع) از قول علی (ع) فرمود: «هذا کتاب الله قد أَلَفْتَهُ کما أمرنی و أوصانی رسولاً لله ص کما أنزل: این است کتاب خدا، همان‌گونه که رسول خدا به من امر نمود و وصیت کرد آن

را تألیف نمودم» (مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ج ۲۸، ۳۰۸). نیز فرمود: «هذا کتاب الله عزوجل كما أنزله الله علی محمد: این است کتاب خدا آن چنان که خداوند بر محمد (ص) نازل کرده است» (همان: ج ۸۹، ۸۸؛ صفار، ۱۳۸۹: ج ۱، ۶۹۵؛ کلینی، بی تا: ج ۴، ۴۴۴).

ب) برخی شدیداً معتقدند که تعبیر «كما انزل الله»، «كما انزل»، و «علی تنزیله»، که در این احادیث ذکر شده است، فقط درباره متن آیات قرآن به کار می رود و نمی توان از آن ها تفسیر و تأویل آیات را برداشت کرد. بنابراین تفاوت مصحف امام (ع) و مصحف عثمانی فقط در ترتیب سور قرآن است (نکونام، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۷ و ۱۰۱). در نقد این دیدگاه می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اولاً: اصطلاح تنزیل صرفاً به معنای متن آیات قرآن نیست، بلکه گاهی علاوه بر متن آیات، تفسیر و تأویل آن را دربر دارد، چنان که از روایت ابن سیرین و عکرمه به دست می آید (نجارزادگان، ۱۳۷۸: ۶۷). در حدیث دیگری آمده است که محمد بن فضیل گوید از حضرت ابوالحسن (ع) راجع به قول خدای عزوجل، «می خواهند با پف دهانشان نور خدا را خاموش کنند» (صف: ۸)، پرسیدم، ایشان فرمود: «یعنی می خواهند ولایت امیرالمؤمنین (ع) را با پف دهانشان خاموش کنند»، گفتم: «خدا تمام کننده نور خود است»، فرمود: خدا تمام کننده امامت است به دلیل قول خدای عزوجل «کسانی که به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده ایم ایمان آورند» (تغابن: ۸)؛ پس نور همان امام است. گفتم: این تنزیل است؟ فرمود: «آری این حرف تنزیل است و اما غیر آن تأویل است» (کلینی، بی تا: ج ۲، ۳۱۱). در این حدیث امام (ع) به صراحت تفسیر آیات قرآن را تنزیل خطاب می کند، زیرا تفسیر آیات نیز از طرف خداوند بر رسولش نازل می شود (حیدری، ۱۴۳۱: ۵۹-۶۴)؛

ثانیاً: عبارت «كما انزل الله» یا مشابه آن مانند لفظ «مصحف» به طور خاص برای آیات قرآن به کار می رود، اما این سخن به این معنا نیست که کاربرد این الفاظ در معنای عام باطل باشد، بلکه می توان گفت علی (ع) آنچه را از طرف خداوند متعال نازل شده است جمع آوری کرد که شامل متن قرآن (وحی قرآنی) و تفسیر و تأویل آن (وحی بیانی) است. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ: در حقیقت گردآوری و خواندن آن بر [عهد] ماست. سپس توضیح آن [نیز] بر عهد ماست» (قیامت: ۱۷ و ۱۹) و «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ: و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند» (نحل: ۴۴). براساس این آیات، تبیین و توضیح قرآن کریم از طرف خداوند متعال بر رسول اکرم (ص) نازل شده که همان وحی بیانی است؛

ثالثاً: در روایات متعددی از قول علی (ع) نقل شده که ایشان تفسیر و تأویل قرآن را به امر پیامبر (ص) و املائی ایشان نگاشته است (صفار، ۱۳۸۹: ج ۱، ۷۰۷-۷۱۲). یکی از محققان معاصر می‌گوید: براساس مصادر حدیثی رسول خدا (ص) علی (ع) را مأمور کرد تا قرآن را با تفسیر و تأویل و ناسخ و منسوخش نگارش کند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ج ۱، ۴۰۳). مشابه این سخن از سایر علمای شیعه نیز نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۴۴۱؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۲: ۴۱۱)؛

رابعاً: اگر مراد از «تنزیل» و «کما انزل الله» فقط متن قرآن باشد، تفاوت مصحف علی (ع) با مصحف موجود صرفاً در ترتیب سوره‌ها خواهد بود. در این صورت این مصحف امتیاز خاصی نخواهد داشت تا ائمه (ع) آن را به منزله یکی از منابع علوم خود معرفی کنند، زیرا ایشان از همین مصحف رایج هم می‌توانستند به مثابه منبع علم خود نام ببرند و نیازی به ذکر مصحف امام (ع) نبود؛

خامساً: به گزارش روایات فریقین، صحابه این مصحف را پذیرفته و آن را رد کرده‌اند. اگر مراد از «ما انزل الله» متن قرآن بود و این مصحف صرفاً براساس نزول نوشته شده بود، پذیرفتن این مصحف از طرف صحابه به دلیل جابه‌جایی چند سوره امری بی‌اساس به نظر می‌رسید؛ پس این مصحف مشتمل بر تفسیر و تأویل آیات بوده است که صحابه از آن بیمناک بوده و آن را رد کردند؛

سادساً: درباره مصحف علی (ع) تعبیر مختلفی وارد شده است، از جمله: «لوجد فیه علم کثیر» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۲۸۳)؛ «ولو وجد مصحفه لکان انفع و اکثر علماً» و «لو وجد مصحفه لکان فیه علم کثیر» (ابن جزئی الکلبی، ۱۹۹۳: ج ۱، ۴)؛ «لو اجتمعت الانس و الجن أن یؤلفوه ذلک التألیف ما استطاعوا» (سیوطی، بی‌تا: ج ۱، ۱۲۷)؛ و «وکان به عالماً» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ج ۲، ۵۰). بنابراین اگر تفاوت دو مصحف صرفاً در ترتیب سور و آیات باشد، تعبیر قبل معنایی نخواهد داشت؛ زیرا علم کثیر و ناتوانی جن و انس از تألیف قرآنی همانند مصحف علی (ع) در صورتی صحیح است که این قرآن حقایق فراوانی را علاوه بر متن آیات در خود جای داده باشد. نکته دیگر این که عالم بودن علی (ع) به قرآن محدود به اطلاع از ترتیب نزول آیات به لحاظ تاریخی نیست و امکان اطلاع سایر صحابه از این ترتیب تاریخی نیز بوده است، چنان که شواهد فراوانی در این باب نقل شده که علم علی (ع) بر قرآن شامل اسرار و معانی عمیق و تأویل و تفسیر کامل آیات است که کسی جز امام معصوم امکان اطلاع بر این حقایق را ندارد.

ج) در دفاع از دیدگاه مشهور و نقد دلایل نگارنده می‌توان به برخی از احادیث استناد کرد که بعد از ذکر آن نقد می‌شود:

الف) امام باقر (ع) فرمود: «إذا قام قائم آل محمد ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن على ما أنزل الله جلّ جلاله فأصعب ما يكون على من حفظه اليوم لأنه يخالف فيها لتأليف: چون قائم آل محمد (ص) ظهور فرماید خیمه‌هایی برپا می‌کند و قرآن را به همان شکل که نازل شده بود به مردم می‌آموزد و آن روز فراگرفتن قرآن از امروز دشوارتر است، زیرا آن قرآن با قرآن فعلی از نظر تألیف مخالف است» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۶).

اولاً: این حدیث مرسل است و جز در کتاب شیخ مفید در منابع پیش از آن دیده نمی‌شود و ممکن است عبارت پایانی این حدیث «فأصعب ما يكون على من حفظه اليوم لأنه يخالف فيها لتأليف» سخن شیخ مفید و برداشت ایشان از حدیث مذکور باشد؛ زیرا وی از میان علمای شیعه اولین کسی است که مسئله ترتیب مصحف علی (ع) را براساس نزول مطرح کرد (مهدوی‌راد، ۱۳۸۸: ۴۴۰)؛

ثانیاً: از این حدیث استنباط می‌شود که مصحف امام (ع) به لحاظ ترتیب آیات و سور با مصحف کنونی تفاوت زیادی دارد؛ زیرا اگر صرفاً تفاوت در ترتیب سوره‌ها بود یادگیری آن برای حافظان قرآن دشواری نداشت. در حالی که ترتیب آیات قرآن در مصحف موجود منشأ وحیانی داشته و با نظارت پیامبر اکرم انجام شده است و دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر این امر دلالت دارد؛

ثالثاً: این حدیث شاهد خوبی است که عبارت «ما أنزل الله» صرفاً متن قرآن کریم نیست، بلکه تفسیر و تأویل آن نیز است. از آن‌جا که براساس نظر مشهور چینش آیات قرآن موجود مطابق نظر پیامبر بوده است، بنابراین قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) نیز مردم قرآن را براساس «ما أنزل الله» می‌آموزند و این یادگیری مختص به بعد از ظهور حضرت نیست، مگر این‌که منظور از عبارت «ما أنزل الله» نص قرآن و تفسیر آن باشد. بنابراین دشواری حفظ قرآن در زمان ظهور به دلیل وجود همه خصوصیات مربوط به تنزیل، شأن نزول، تفسیر، و تأویل آیات است.

ب) حدیث دیگری که به آن استناد شده این است که امام باقر (ع) فرمود: «ما من أحد من الناس يقول انه جمع القرآن كله كما أنزل الله إلا كذاب و ما جمعه و ما حفظه كما أنزل الله إلا على بن أبي طالب و الأئمة من بعده: جز دروغ‌گو هیچ‌کس از مردم ادعا نکند که تمام قرآن را چنان‌که نازل شده جمع کرده است و کسی جز علی بن ابی‌طالب و امامان پس از وی آن را چنان‌که خدای تعالی فرستاده جمع نکرده‌اند» (صفار، ۱۳۸۹: ج ۱، ۶۹۵).

چگونه ممکن است که تدوین قرآن بر حسب نزول صرفاً به ائمه (ع) نسبت داده شود، در حالی که متأخر از کاتبان وحی‌اند و کاتبان وحی می‌توانستند قرآن را بر حسب نزول بنویسند همان‌طور که این‌چنین نوشته‌اند. به نظر می‌رسد منظور این حدیث از کل قرآن صرفاً آیات نازل‌شده نیست، بلکه تفسیر و تأویل آن را نیز شامل می‌شود؛ چراکه در حدیث آمده است کسی جز علی (ع) و ائمه قادر به جمع قرآن نیستند، در حالی که کل قرآن در مصحف موجود جمع‌آوری شده است و ائمه (ع) بارها به همین قرآن موجود در اثبات احکام و استنباط آن‌ها استناد کرده و با آن علیه مخالفان خود احتجاج می‌نمودند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۱۳ و ۲۱۱؛ همان: ج ۱۷، ۳۱۱). پس ائمه مصحف موجود را براساس قرآنی که تحریف نشده است و کل «ما انزل الله» در آن جمع‌آوری شده پذیرفته‌اند. احادیث عرضه روایت به قرآن، اخذ به کتاب، و رجوع به قرآن شواهد دیگری بر ادعای قبل است (همان: ج ۲۷، ۳۴؛ کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ج ۲، ۲۴۴ و ۲۵۰). برخی از نویسندگان براساس دو روایت قبل و شواهد دیگر معتقدند فقط علی (ع) می‌توانسته است قرآن را براساس نزول جمع‌آوری کند و سایر صحابه ترتیب نزول قرآن را به‌طور کامل نمی‌دانسته‌اند. بنابراین عبارت «ما انزل الله» صرفاً درباره متن آیات قرآن است و تفسیر آن را دربر ندارد، بنابراین مصحف در دسترس، که به‌دست صحابه تدوین شده است، با مصحف امام (ع) متفاوت است (نکونام، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۳). در حالی که وی معتقد است چینش آیات در مصحف موجود براساس ترتیب طبیعی نزول است و با مصحف امام تفاوت ندارد. پس در تدوین مصحف موجود بقیه صحابه همانند علی (ع) از ترتیب نزول آیات اطلاع داشته و بر همان اساس مصحف موجود را جمع‌آوری کرده‌اند.

چگونه ممکن است که صحابه ترتیب نزول چند هزار آیه قرآن را بدانند اما ترتیب نزول صد و چهارده سوره قرآن را ندانند! و چرا باید دانستن ترتیب نزول سور قرآن از عهده جن و انس خارج باشد!

نکته دیگر این‌که نویسنده فوق تأکید زیادی بر این مسئله دارد که مطالعه سوره‌های قرآن در بستر تاریخی‌شان و با توجه به ترتیب نزول آن‌ها بسیاری از اختلافات تفسیری را حل خواهد کرد و فهم عمیقی از آیات به‌دست خواهد داد. اما در مصحف موجود به‌دلیل فقدان این ویژگی مهم رویدادهای تاریخی آشفته به‌نظر می‌آیند و بر خلاف توالی تاریخی‌شان نشان داده می‌شوند (همان: ۹۴ و ۱۰۴).

سؤال این است که اولاً: ایشان این آشفتگی رویدادهای تاریخی را در مصحف موجود چگونه با جنبه اعجاز لفظی قرآن مطابق می‌دانند، در حالی که چینش صحیح آیات در سور

و نیز چینش منطقی سوره‌ها در قرآن، که به منزله فصل‌های این کتاب الهی‌اند، شواهدی بر اعجاز قرآن خواهد بود. چگونه ممکن است کتابی که همه جملات و کلمات آن در نهایت فصاحت و بلاغت و دیگر مصادیق اعجاز لفظی به کار رفته است، بین فصل‌هایش (سور آن) جنبه اعجاز لحاظ نشده باشد و در رویدادهای تاریخی آن آشفتگی دیده شود. بنابراین ادعای نبود نظم و ترتیب بین سوره‌های قرآن به معنای این است که بگوییم خدای حکیم کتابی برای هدایت بشریت فرستاده است که بین بخش‌های آن نظم منطقی نیست که این سخن با حکمت الهی ناسازگار است؛

ثانیاً: اگر این توالی تاریخی در فهم تفسیر این مقدار اهمیت دارد باید همه‌جا این توالی تاریخی رعایت شود، در حالی که بنا بر نظر بعضی از قرآن‌پژوهان محتمل است که در برخی سور مدنی آیات مکی گنجانده شود و این ترتیب به هم خورده است (حجتی، ۱۳۸۷: ۴۰۱). نیز براساس شواهد ذکرشده رسول خدا (ص) در تعیین جایگاه آیات در سوره‌ها نقش اساسی داشته و خود ایشان چندین آیه را در یک سوره قرار داده و جای هر آیه را مشخص کرده است (همان: ۴۲۴ و ۴۲۸ و ۴۳؛ صبحی صالح، ۱۹۷۲: ۶۹-۷۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۱۷۱). اگر توالی تاریخی شرط اساسی فهم قرآن بود پیامبر اکرم به کاتبان وحی می‌گفت که از یک کنار آیات قرآن را در مصحف‌هایشان بنویسند و آیات را جابه‌جا نمی‌کردند؛

ثالثاً: شواهد عقلی و نقلی‌ای وجود دارد که نشان‌دهنده وحیانی بودن چینش سور قرآنی در مصحف موجود است (ناصحیان، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۷) از جمله:

الف) احادیث ختم قرآن و فضیلت ختم آن (سیوطی، بی‌تا: ج ۱، ۶ و ۲۹۵؛ متقی هندی: ۱۴۰۹: ج ۱، ۵۴؛ ابن‌بابویه، بی‌تا: ۱۰۲) نشان‌دهنده این است قرآن کریم در زمان رسول خدا (ص) آغاز و پایانی مشخص داشته و سوره‌های آن ترتیب ویژه‌ای داشته است؛

ب) احادیث پیامبر اکرم درباره بخش‌های قرآن که ایشان عناوینی را برای هر مجموعه سوره قرآن بیان کرد که اجمالاً با ترتیب کنونی سوره‌ها هماهنگ است (کلینی، بی‌تا: ج ۴، ۴۰۱؛ ابن‌حنبل، ۱۳۱۳: ج ۴، ۱۰). به‌طور مثال بخش‌های «سبع طوال» در این احادیث (هفت سوره طولانی آغاز قرآن) به ترتیب از ابتدای قرآن آغاز شده و به آخر قرآن منتهی می‌شود و مقصود از «مفصل» سوره‌های بخش پایانی قرآن کریم است که کوتاه‌تر از سوره‌های بخش‌های پیشین‌اند و غالباً آیات کوتاه دارند. این ترتیب در ذکر مجموعه یادشده اجمالاً با نظم کنونی سوره‌های قرآن هماهنگ است و شواهدی بر این که نظم سوره‌ها در زمان پیامبر (ص) سامان یافته است؛

ج) عنوان فاتحه الکتاب در احادیث نبوی که در این احادیث عنوان فاتحه الکتاب برای سوره حمد به کار رفته است و این امر نشانه این است که در عهد رسول خدا سوره های قرآن ترتیب کنونی را داشته و پیامبر از طریق وحی نظم سوره ها را ابلاغ کرده است. بنابراین سوره حمد نخستین سوره ای است که قرآن کریم با آن آغاز می شود (سیوطی، بی تا: ج ۱، ۶۶ و ۱۸۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۷: ۲۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۱۲۰).

د) بنابراین در باب مصحف امام علی دو نظریه وجود دارد: ۱. نظریه مشهور علمای شیعه و ۲. نظریه جدید برخی معاصران علوم قرآنی که تفاوت مصحف علی (ع) و مصحف موجود را صرفاً در بیان تفسیر، تأویل، و شأن نزول آیات می دانند و این که مصحف علی همانند تفاسیر قرآن کنونی نوشته شده که تفسیر آیات در ذیل و حاشیه آنها ذکر شده است. هر دو گروه از دلایل و شواهد فراوانی برای اثبات مدعای خود بهره جسته اند، اما با توجه به شواهدی که در مباحث قبل ذکر شد و بیان چند مقدمه دیگر، می توان نظریه معاصران را به نظریه مشهور احتمال قوی تری دانست:

اول: قرآن معجزه پیامبر اکرم در اثبات نبوت ایشان تا روز قیامت است، پس باید جنبه های اعجاز در آیات و سوره های آن محفوظ باشد؛

دوم: پیامبر اکرم به امام علی (ع) دستور داد تا قرآن کریم را جمع آوری کند؛

سوم: بنا بر شواهد تاریخی مصحف موجود در زمان عثمان به صورت یک مصحف مدون یا یک قرآن تدوین شد (حجتی، ۱۳۸۷: ۴۳۷-۴۴۵)؛

چهارم: براساس برخی روایات شیعه و سنی عمل عثمان در جمع آوری قرآن مورد تأیید اکثر صحابه و به خصوص حضرت علی (ع) بوده است و حتی برخی بزرگان شیعه معتقدند علی (ع) بر جمع قرآن در زمان عثمان نظارت داشته و با تصویب آن حضرت این کار انجام شده و در حقیقت پشتوانه کار عثمان در جمع و ترتیب قرآن آگاهی های حضرت علی (ع) درباره قرآن بوده است (ابن طاووس، ۱۳۶۳: ۲۷۸). نیز نقل شده است که مصحف عثمانی براساس آیات در مصحف علی (ع) و قرائت آن نگاشته شده و اکثر صحابه بر آن اتفاق نظر داشتند، بنابراین عثمان به جز مصحف امام علی مصحف های سایر صحابه را سوزانید (حلی، ۱۴۱۴: ج ۳، ۱۴۱)؛

پنجم: شواهد فراوانی بر توقیفی بودن چینش آیات و سور از طرف پیامبر اکرم (ص) وجود دارد (صبحی صالح، ۱۹۷۲: ۶۹-۷۴).

با توجه به مقدمات فوق می توان گفت که حضرت علی (ع) مصحف کنونی را براساس مصحف خویش تنظیم کرده و چینش آیات و سور آن را براساس نظر حضرت رسول (ص)

قرار داده است تا جنبه‌های کامل اعجاز قرآن محفوظ باشد و ایشان و سایر ائمه همیشه به قرآن موجود استناد کرده‌اند، پس مصحف امام علی در ترتیب آیات و سور هیچ تفاوتی با مصحف کنونی نداشته و صرفاً تأویل و تفسیر آیات در آن مصحف افزوده شده است.

۶. پذیرفته‌نشدن مصحف علی (ع) از سوی صحابه

در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است هنگامی که علی (ع) قرآن را جمع و آن را بر دیگران عرضه کرد، گفت: «هذا کتاب ربکم كما أنزل علی نبیکم، لم یزد فیه حرف، و لم ینقص منه حرف فقالوا: لا حاجة لنا فیه، عندنا مثل الذی عندک» (ابن بابویه و شیخ مفید، ۱۴۱۴: ج ۱، ۸۶). نیز فرمود: «این است کتاب خدا آن‌چنان که خدا بر محمد (ص) نازل کرده است و من آن را میان دو لوح فراهم کرده‌ام، مردم گفتند: نزد ما مصحفی است که قرآن در آن گرد آمده و ما به قرآن تو نیازی نداریم، علی (ع) فرمود: به خدا سوگند که هرگز پس از امروز آن را نخواهید دید و فقط بر من لازم بود که پس از فراهم کردن و جمع کردنش شما را بدان آگاه کنم تا آن را بخوانید» (کلینی، بی تا: ج ۴، ۴۴۴؛ صفار قمی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۶۹۵). مشابه این عبارت از اهل سنت نقل شده است که قوم به او گفتند: ما به این مصحف احتیاجی نداریم و علی گفت: «یا ربّ إن قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً» (شهرستانی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۲۱).

سؤال مهم این است که با وجود این که برخی علمای عامه آرزو داشتند این مصحف را ببینند (سیوطی، ۱۴۱۱: ۱۸۵؛ زرقانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۴۷؛ ابن سعد، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۳۸) چرا صحابه پیامبر، به خصوص ابوبکر و عمر، این مصحف را طرد کردند؟ پاسخ این پرسش روشن است، زیرا مصحف امام (ع) شامل تفسیر، شأن نزول، و تأویل آیات بود و حتماً نصوصی در امامت ایشان و سایر اهل بیت و فضایل آن‌ها دربر داشت. پذیرش چنین مصحفی به معنای تأیید آیات ولایت اهل بیت بود که خطری جدی برای حکومت وقت و فضای سیاسی به شمار می‌رفت. علی (ع) دلیل رد این مصحف را چنین بیان کرد که: «فلما وقفوا علی ما بینها لله من أسماء أهل الحقّ و الباطل و أنّ ذلك إنّ ظهر نقص ما عهدوه قالوا لا حاجة لنا فیه نحن مستغنون عنه بما عندنا: هنگامی که بر آن‌چه خداوند از اسامی اهل حق و باطل آشکار نموده بود واقف شدند و دریافتند اگر آن آشکار شود نقشه‌هایشان بر باد خواهد رفت گفتند: آن‌چه نزد ماست کافی بوده و نیازی به آن نداریم» (طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۵۷۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۸ و ۳۹)؛ به همین دلیل خلیفه اول و دوم نه فقط مصحف مذکور را نپذیرفتند، بلکه از نقل و نگارش احادیث نبوی مربوط به تفسیر و غیر آن منع کردند (ذهبی، بی تا: ج ۱، ۲ و ۳) تا احادیثی که فضایل اهل بیت را معرفی می‌کند در جامعه

مطرح نشود و با نگارش تفسیر در مصاحف مخالفت کردند. چنان که نقل شده است مردی مصحفی نگاشت و تفسیر هر آیه را در کنار آن نوشت. عمر او را نزد خود فرا خواند و مصحف او را بُرید (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۳۱۵).

۷. سرانجام مصحف علی (ع)

بعد از آن که مصحف امام (ع) از جانب فضای حاکم پذیرفته نشد، حضرت علی (ع) سوگند یاد کرد که هرگز مصحف را نخواهند دید و بنابر تأیید روایات این مصحف به دست ائمه (ع) یکی بعد از دیگری منتقل شد تا نشانه‌ای بر امامت ایشان باشد و در نهایت به حضرت مهدی (عج) سپرده شده است. امام صادق فرمود: «فإذا قام القائم (ع) قرأ کتاباً لله عزّ و جلّ علی حدّ هو أخرج المصحف الذی کتبه علی (ع)» (کلینی، بی تا: ج ۴، ۴۴۴؛ صفار قمی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۶۹۵).

ابن ندیم در الفهرست بعد از بیان ویژگی‌های مصحف امام علی نقل می‌کند که این مصحف نزد ابی یعلی حمزه الحسینی از فرزندان امام حسن است که به او ارث رسیده است (ابن ندیم، بی تا: ۳۰)، اما با توجه به روایات فراوان دال بر وجود مصحف نزد ائمه اهل بیت (ع) ادعای ابن ندیم صحیح نیست؛ زیرا این مصحف مانند جعفر، جامع، و مصحف فاطمه نشانه‌های امامت و منبع علم ایشان محسوب می‌شود. در حدیثی آمده است:

سوره بن کلیب گوید زید بن علی به من گفت: از کجا فهمیدی که پسر برادر، جعفر، امام است؟ گفتم هرگاه خدمت برادرت محمد بن علی حضرت باقر (ع) می‌رفته سؤال می‌کردیم، می‌فرمود پیغمبر (ص) چنین فرمود یا خداوند در قرآن چنین فرموده. وقتی برادرت از دنیا رفت نزد اهل بیت پیغمبر رفتیم و هر کس را که احتمال می‌دادیم امام باشد، حتی پیش تو نیز آمدیم بعضی از مسائل ما را جواب می‌دادید ولی اطلاع از تمام سؤال‌های ما نداشتید تا خدمت پسر برادرت جعفر بن محمد رفتیم. همان طوری که پدرش می‌فرمود جواب ما را داد. می‌گفت پیامبر فرمود یا خداوند چنین گفته است. زید لبخندی زد و گفت: این حرف که می‌زنی صحیح است، زیرا کتاب‌های حضرت علی نزد اوست. که یکی از این کتاب‌ها مصحف علی (ع) است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴۷، ۳۷).

۸. بررسی شبهات

چنان که در بحث مصحف امام (ع) در منابع فریقین مطرح شد همه علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت وجود این مصحف را پذیرفته‌اند، اما گروهی دیگر که از اندیشه‌های

سلفی‌گری متأثرند، اسناد مربوط به این مصحف را نادیده گرفته و وجود مدارک آن در کتاب‌های امامیه را دلیل تحریف قرآن به باور شیعیان گرفته‌اند. از جمله، موسی جارالله، علی احمد سالوس، احسان الهی ظهیر، و ناصر علی قفاری (جارالله، ۱۳۶۹: ۳۳؛ سالوس، ۱۴۰۵: ۱۶۰؛ الهی ظهیر، ۱۴۱۵: ۱۴۳؛ قفاری، ۱۴۱۴: ۲۳۵) شبهاتی را در این زمینه مطرح کردند:

شبهه اول در باب اصل وجود این مصحف است که قائل‌اند مصحف علی ساخته اندیشه‌های عبدالله بن سبا و نقطه آغاز اعتقاد تحریف قرآن در اندیشه‌های شیعه است (قفاری، ۱۴۱۴: ۲۳۵) که این شبهه با بیان روایات متعدد از منابع اهل سنت، که سند آن‌ها مستفیض و برخی دیگر صحیح‌اند، پاسخ داده شد.

شبهه دوم این است که اگر چنین مصحفی وجود داشت چرا امام علی لااقل در زمان حکومت خود آن را آشکار نکرد. بنابراین شیعیانی که گزارش این مصحف را پذیرفته‌اند علی را به خیانت و کتمان حق متصف می‌کنند (همان: ۲۳۹؛ سعودی، بی‌تا: ۴۶).

پاسخ این شبهه نیز تا حدودی در قسمت‌های قبل مطرح شد که دانشمندان امامیه بالاتفاق معتقدند که تفاوت مصحف علی (ع) با مصحف موجود در جوهره قرآن نبوده است و مصحف امام هیچ زیادت و نقصانی در آیات قرآن ندارد. بنابراین امام (ع) لزومی ندید که آن مصحف را آشکار کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۸۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ج ۲، ۴۹؛ خویی، ۱۴۰۸: ۲۲۳). به نظر می‌رسد پنهان کردن مصحف از جانب امام قوی‌ترین دلیل بر آن است که زیاده‌های آن مصحف از متن قرآن مُنزَل نبوده است و اگر تفاوت در جوهره قرآن و متن آیات وحی وجود داشت، سکوت امام جایز نبود. صدوق نیز در این زمینه چنین استدلال کرده که اگر آن اضافات از قبیل آیات قرآنی بود باید در قرآن موجود باشد و از آن جدا نشود (ابن بابویه و مفید، ۱۴۱۴: ج ۱، ۸۶).

علامه طباطبایی معتقد است اگر مصحف علی (ع) با مصحف موجود در بعضی حقایق دینی و حکمی با احکام الهی در آیات وحیانی مخالف بود علی (ع) به سادگی دست از قرآن خود برنمی‌داشت، بلکه قطعاً با آنان به احتجاج می‌پرداخت. همان‌طور که می‌بینیم ایشان در موارد مختلف با مخالفان خود احتجاج نموده است، اما حتی یک مورد در روایات شیعه نیامده که ایشان درباره موضوعی آیه و سوره‌ای را خوانده باشد که در قرآن رایج بین مسلمین نباشد و یا صحابه را به خیانت در نگارش قرآن متهم کرده باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۱۱۶) هم‌چنین سیره علی (ع) این است که مانند رسول خدا از هر نوع اختلافی در بین مسلمین به شدت جلوگیری می‌کرد و وجود

تفاسیر برخی از آیات در مصحف ایشان این اختلاف را تشدید می‌کرد، بنابراین ایشان به دلیل مصالح امت آن را آشکار نکرد.

شبهه سوم این است که در کتاب سلیم بن قیس آمده است در مصحف علی تنزیل، تأویل، ناسخ، و منسوخ آیات ثبت شده است و این نگارش با دستور پیامبر (ص) توافق ندارد که فرمود: «از من چیزی جز قرآن ننویسید». ایشان به نوشتن قرآن دستور داده و از نگارش چیزی همراه قرآن نهی کردند تا مبادا قرآن با چیز دیگری آمیخته نشود» (قفاری، ۱۴۱۴: ۲۳۷).

پاسخ این شبهه این است که:

اولاً: بیان ویژگی‌های مصحف علی (ع) فقط در کتاب سلیم بن قیس نیامده است، بلکه در سایر منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است که در قسمت قبل بیان شد؛

ثانیاً: قفاری در جای دیگری از کتابش از نوشته‌های ابن مسعود، ابی بن کعب، عایشه، و سالم مولی حذیفه مصاحفی داشته و در آن‌ها تفسیر بعضی از آیات را می‌نوشت (همان: ۱۲۵). آیا این افراد گزارش پیامبر را فراموش کردند یا اساساً این حدیث ابوسعید خدری مانند حدیث مشابهی از ابوهریره در مورد خاصی صادر شده است و یا احتمال جعل آن می‌رود (خطیب بغدادی، ۱۹۷۴: ۳۱)؛

ثالثاً: روایت ابوسعید در بحث نگارش نکردن، که فقط در کتاب‌های اهل سنت آمده، حدیثی موقوف و از لحاظ سندی ضعیف است و این ضعف هم به دلیل وجود زید بن اسلم در سند روایت بوده که وثاقت او را علمای رجال تأیید نکرده‌اند و هم به دلیل این است که علمای اهل سنت دستور نهی از کتابت حدیث را مربوط به اوایل بعثت پیامبر (ص) می‌دانند، در حالی که ابوسعید در آن زمان کودک خردسالی بوده و نمی‌توانسته این حدیث را مستقیماً از رسول خدا شنیده باشد. نیز روایت وی از نظر دلالت و سایر شرایط از سوی محدثان ضعیف شمرده شده است، چرا که حداکثر از حدیث او می‌توان نهی از نگارش قرآن و حدیث را در ورق واحد برداشت کرد نه نهی مطلق نگارش حدیث را، علاوه بر این که روایت ابوسعید احادیث معارض قوی‌تری هم دارد (همان: ۶۴؛ معارف، ۱۳۸۷: ۶۳ و ۶۴)، شاید به همین دلیل برخی صحابه به این فرمان عمل نکردند؛ از جمله عایشه می‌گوید: پدرم ابوبکر پانصد حدیث از رسول خدا (ص) نگاشته بود (ذهبی، بی‌تا: ج ۱، ۵)؛

رابعاً: آیا ممکن است که خداوند تبیین آیاتش را به پیامبرش واگذارد و حضرت در مقام تبیین و معلم وحی از نگارش سنت جلوگیری کند؛

خامساً: امکان آمیخته شدن کلام بشر با کلام الهی بزرگ‌ترین و هن به کتاب خداست، اگر چنین خلطی امکان دارد قفاری و امثال او چگونه می‌توانند از اعجاز قرآن سخن بگویند! بنابراین مصحف امام علی (ع) امری ثابت شده است و شبهات سلفیان و تهمت‌های ایشان به شیعه، که با فحاشی همراه شده است، بیش از آن‌که جنبه علمی داشته باشد رویکردی سیاسی دارد.

۹. نتیجه‌گیری

مصحف حضرت علی (ع) قرآن مُنزل و یکی از آثار مکتوب امام علی (ع) است که به املای پیامبر (ص) و کتابت حضرت نگاشته شده و بعد از وفات پیامبر به دست ایشان جمع‌آوری شده است. این مصحف به منزله میراث مکتوب از حضرت رسول به ائمه (ع) یکی پس از دیگری انتقال یافته و همانند جفر، جامعه، و مصحف فاطمه (س) مورد استناد علمی ائمه واقع شده و نشانه‌ای بر امامت ایشان است. بنا بر روایات فریقین وجود این مصحف انکارشدنی نیست و نحوه نگارش، مدت نگارش، محتوای آن، سرانجام مصحف، و دلیل رد آن از سوی صحابه پیامبر به‌طور تفصیلی گزارش شده است.

دیدگاه مشهور درباره مصحف امام علی این است که این صحیفه براساس شأن نزول آیات تنظیم شده، بنابراین از نظر اهل سنت در چینش آیات و سوره‌ها و از نظر غالب علمای شیعه فقط در چینش سوره‌ها با مصحف رایج بین مسلمانان تفاوت دارد. اما دیدگاه جدیدی در این مسئله مطرح شده که معتقد است مراد از «ما انزل الله» و «علی تنزیله» در احادیث مورد استناد چینش آیات به ترتیب نزول نیست، بلکه در مصحف امام علی علاوه بر نص آیات، تفسیر، تأویل، و شأن نزول آیات نیز ذکر شده است که شامل وحی قرآنی و وحی بیانی می‌شود. نیز چینش آیات و سوره در مصحف کنونی مطابق مصحف امام علی (ع) تنظیم شده است. در این بین برخی نویسندگان معاصر به منظور دفاع از دیدگاه مشهور به تعمیم عبارات «ما انزل الله» و «علی تنزیله» بر تفسیر، تأویل، و شأن نزول آیات اشکال وارد کرده و منظور این اصطلاحات را صرفاً متن آیات قرآن دانسته‌اند. در این صورت فقط تفاوت دو مصحف در این است که مصحف علی (ع) به ترتیب نزول جمع‌آوری شده و چینش سوره‌ها در آن با مصحف موجود متفاوت است و تفسیر و تأویل آیات در این مصحف وجود ندارد. انتقاداتی بر این دیدگاه وارد است که استنادات ائمه به مصحف علی (ع) در تفسیر برخی آیات و صدور حکم شرعی و معرفی این مصحف

به منزله یکی از منابع علم ایشان نشانه این است که در این مصحف تفسیر، تأویل، و شأن نزول آیات ذکر شده است. بنابراین تفسیر آیات (وحی بیانی) جدای از متن آیات (وحی قرآنی) نیست؛ چراکه «و ما ينطق عن الهوى إن هو إلا وحى يوحى: و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن به جز وحی ای که وحی می‌شود نیست» (نجم: ۳ و ۴)؛ آن‌چه از زبان مبارک پیامبر (ص) در قالب آیات قرآن و تفسیر آن‌ها بیان شده وحی الهی است که مصون از خطاست.

بنابراین براساس شواهد مطرح‌شده دیدگاه جدید در باب محتوای مصحف امام علی (ع) مقبول‌تر به نظر می‌رسد و تفاوت دو مصحف در چینش آیات و سور نخواهد بود، بلکه در اضافه‌شدن تفسیر و تأویل آیات است و این اضافات جزء آیات قرآن نیست. بنابراین شبهات و هائیان بر اعتقاد به تحریف قرآن از نظر شیعه بی‌اساس است.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم (۱۴۱۵ ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دار القرآن الکریم.
- نهج البلاغه (۱۳۷۸). ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن سعد واقدی، محمد (۱۴۰۵ ق). *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۳۹۸ ق). *التوحید*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۴۱۷ ق). *امالی*، قم: مؤسسه بعثت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (بی‌تا). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) و محمد بن نعمان مفید (۱۴۱۴ ق). *اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد*، قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۳۶۳). *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم: نشر اسلامی.
- ابن جزى الکلبی، قاسم بن احمد (۱۹۹۳). *التسهیل لعلوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل (۱۳۱۳ ق). *مسند*، مصر: بولاق.
- ابن سعد واقدی، محمد (۱۳۶۳). *سعد السعود*، قم: رضی.
- ابن سعد واقدی، محمد (۱۴۱۲ ق). *المناقب آل ابی طالب*، تحقیق یوسف البقاعی، بیروت: داراضواء.
- ابن عبدالبر، یوسف (۱۴۱۲ ق). *الاستیعاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجیل.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، بیروت: صادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶). *التهرست*، تحقیق و ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر.
- ابوزید، بکر بن عبدالله (۱۴۱۲ ق). *معرفة النسخ و الصحف الحديثیه*، حجاز: دارالرایه.
- ابونعیم اصفهانی، احمد (۱۴۰۷ ق). *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، بیروت: دارالکتب.

- احمد، امتیاز (۱۴۳۱ ق). *دلائل التوثیق المبکر للسنة و الحديث*، ترجمه عبدالمعطي امین قلعبی، دمشق: قتیبه.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ ق). *مکاتیب الرسول*، قم: دارالحديث.
- امین عاملی، محسن (۱۴۰۶ ق). *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف.
- الهی ظهیر، احسان (۱۴۱۵ ق). *الشیعه و القرآن*، لاهور: اداره ترجمان السنه.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۰). *مصحف امام علی (ع)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، تهران: بنیاد بعثت.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۲۲ ق). *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام*، تحقیق سیدعلی عاشور، بیروت: مؤسسة التأریخ العربی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴ ق). *انساب الاشراف*، بیروت: منشورات الاعلمی.
- جارالله، موسی (۱۳۶۹). *الوشیعه فی نقد عقاید الشیعه*، پاکستان: بی نا.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۸۷). *تاریخ قرآن کریم*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق). *القوائد الطوسیة*، تعلیق مهدي لاجوردی و محمد درودی، قم: علمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*، قم: آل البيت.
- حسکانی، عبیدالله (۱۴۱۱ ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمدباقر محمودی، قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
- حسکانی، عبیدالله (۱۴۳۱ ق). *معرفة الامام و العلم بالغیب و الغلو و صيانة القرآن*، بیروت: جواد الاثمه.
- حلی، یوسف بن محمد (۱۴۱۴ ق). *تذکرة الفقهاء*، قم: آل البيت.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۹۷۴). *تقیید العلم*، تحقیق یوسف العشی، بیروت: داراحیاء سنت النبویه.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۰۸ ق). *البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالزهراء.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱ ق). *المناقب*، تحقیق مالک المحمودی، قم: نشر اسلامی.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *معجم رجال حدیث و تفصیل طبقات الرواه*، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- ذهبی، شمس الدین محمد (بی تا). *تذکره الحفاظ*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، محمد بن أحمد (۱۴۰۴ ق). *معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأعصار*، تحقیق بشار عواد معروف و آخرون، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ ق). *مفردات فی غریب القرآن*، تهران: نشر کتاب.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۱۲ ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث عربی.
- زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۰۸ ق). *البرهان فی علوم القرآن*، تعلیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زنجانی، ابو عبدالله (۱۴۰۴ ق). *تاریخ القرآن*، تهران: منظمة الاعلام الاسلامی.
- سالوس، علی احمد (۱۴۰۵ ق). *الاثر، الامامه فی الفقه الجعفری واصوله*، عمان: بی نا.

- سالوس، علی احمد (۱۴۲۲ ق). *المناهج التفسیریة*، قم: مؤسسه امام صادق.
- سجستانی، عبدالله بن ابی داوود (۱۹۳۶). *المصاحف*، تصحیح اثر جفری، قاهره: دارالرحمانیه.
- سعودی، ربیع (بی تا). *الشیعه الامیه الاثنی عشریه فی میزان الاسلام*، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- سلیم بن قیس هلالی (۱۴۰۵ ق). *کتاب سلیم بن قیس*، قم: هادی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۱ ق). *تاریخ خلفا*، تحقیق محمد عبدالحمید، قم: شریف رضی.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا). *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الفکر.
- شرف الدین، عبدالحسین (۱۴۰۲ ق). *المراجعات*، بیروت: جامعه الاسلامیه.
- شهرستانی، عبدالکریم (۱۳۷۶ ش). *مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار*، تهران: بی نا.
- صبحی صالح (۱۹۷۲). *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت: بی جا.
- صفار قمی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). *بصائر الدرجات فی علوم آل محمد*، ترجمه و تصحیح علیرضا زکی زاده، قم: وثوق.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: الاعلمی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱). *احتجاج علی اهل اللجاج*، ترجمه جعفری، تهران: اسلامیه.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق). *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). *الأمالی*، قم: دارالتقافه.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۰ ق). *حقایق هامه حول القرآن الکریم*، قم: نشر اسلامی.
- عسکری، مرتضی (۱۳۸۲). *نقش ائمه در احیای دین*، تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر.
- عسکری، مرتضی (۱۴۱۳ ق). *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، بیروت: مجمع العالمی لاهل البیت.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). *کتاب التفسیر*، تهران: چاپخانه علمیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ ق). *کتاب العین*، تحقیق مخزومی، بیروت: الاعلمی.
- فرشچیان، رضا (۱۳۸۵). «مصحف امیرالمؤمنین یا نخستین کتاب در حوزه علوم قرآنی»، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، ش ۱.
- فیض کاشانی، محمدحسین (۱۴۱۵ ق). *الاصافی*، تحقیق حسین اعلمی، تهران: صدرا.
- قفاری، ناصر بن عبدالله (۱۴۱۴ ق). *اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه*، ریاض: بی نا.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب.
- کتانی، عبدالحی (بی تا). *التراتیب الادریه*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). *اصول کافی*، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: الکتب اسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ ق). *کنز العمال*، تحقیق بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق الف). *بحار الأنوار*، بیروت: الوفاء.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق ب). *مرآه العقول*، تهران: الکتب الاسلامیه.
- مدرس طباطبایی، حسین (۱۳۸۳). *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین*، ترجمه رسول جعفریان و علی قزایی، قم: ادیان.

- معارف، مجید (۱۳۸۷). تاریخ عمومی حدیث، تهران: کویر.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۱ ق). التمهید فی علوم القرآن، قم: نشر اسلامی.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق الف). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق ب). المسائل السرویة (مسئلة التاسعة)، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق ج). مصنفات الشیخ المفید (اوائیل المقالات فی المذاهب و المختارات)، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۸). تدوین الحدیث عند الشیعة الامامیه، تهران: هستی‌نما.
- ناصحیان، علی‌اصغر (۱۳۸۷). «نگاهی نو به جمع قرآن»، فصل‌نامه الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۳۰.
- ناصحیان، علی‌اصغر (۱۳۸۹). «مصحف علی (ع) از منظر احادیث»، آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۲.
- نباطی عاملی، علی بن محمد (۱۳۸۴). الصراط المستقیم إلی مستحقی التقادیم، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: المكتبة المرتضویة.
- نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۷۸). سلامة القرآن من التحریف، تهران: پیام آزادی.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۶). «ترتیب مصحف امام علی (ع) موافق نزول یا موافق موجود»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۲.